

مدارس محمدیہ اہل حدیث



۱

بالاترین امر به معروف و
نهی از منکر آن است که،
سخن من را تحویل بگیرید؛ و
به آنان که حاضر نیستند،
برسانید؛ و آنان را به قبول
آن امر نمایید؛ و از مخالفت
آن نهی نمایید.

فرازی از خطابه‌ی غدیر

سرآغاز

پنجره‌ها را می بندم،
اما زوزه‌ی باد هنوز شنیده می شود و در و پنجره‌ها را می لرزاند.
غمگینم؛

کلاس دلگیر، با صندلی‌های خالی،
در یک غروب پاییزی ...

نگاهم به تخته سیاه می افتد:

«ای مردم! خداوند علی ابن ابیطالب علیه السلام را امام و صاحب اختیار شما قرار داده
و اطاعتش را بر شما واجب نموده ...»

با صاحب غدیر نجوا می کنم؛
که مولای من!

مگر اینجا مدرسه‌ی تو نیست؟!

مگر در این مدرسه، محبت تو را درس نمی دهند؟!

مگر غدیر محتوای کتاب‌ها و درس‌ها نیست؟!

پس چرا چنین ...؟!

این جا مدرسه‌ی محبت است؛

این جا درس دوست داشتن تو را و درس جاودانگی غدیر تو را باید خواند؛
مولای من!

هر چه باد زوزه بکشد و طوفان پنجره‌ها را از جای برکند،
به کلاس خواهیم آمد؛

معلم خواهد گفت و ما درس محبت تو را،

درس غدیر را خواهیم خواند؛

در مدرسه‌ی محبت ...

...در مدرسه‌ی غدیر.

قسمت اول : بعثت تا غدیر

اگر بی تعصب به اسلام نگاه کنیم. - به دور از هیاهوی کسانی که می خواهند حق را بپوشانند تا رسوا نشوند- می یابیم که پیامبر (که بر او و خاندانش درود باد) از هیچ فرصتی در طول زندگی شان برای آگاه کردن مردم از امر امامت حضرت علی علیه السلام فروگذار نکردند.

از اولین لحظات بعثت تا آخرین لحظات زندگانشان، در هر فرصتی، امامت و ولایت حضرت علی علیه السلام را ابلاغ نموده و می فرمودند:

ای مردم ! بعد از من علی علیه السلام ...

در اولین روز تبلیغ رسالت، پیامبر چهل نفر از آشنایان و خویشان خود را به دستور خداوند که فرموده بود: « وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ »^۱ به خانه‌ی عموی خویش فراخواند و رسالت و پیامبری خود را بیان نمود. آن حضرت از عموها و عموزادگانش خواست تا به او ایمان بیاورند و به آنها روی کرده و فرمود: ... خداوند فرمان داده تا شما را به سوی او دعوت کنم . پس کدام یک از شما حاضر است در این راه با من همکاری کند و پشتیبان من گردد تا برادر ، وصی و خلیفه‌ی من در میان شما باشد؟ همه‌ی آن چهل نفر از پیامبر روی برگرداندند ، هیچ کس پاسخ ایشان را نگفت جز علی علیه السلام. آن گاه پیامبر دست بر دوش علی علیه السلام گذاشت و فرمود:

فَأَنْتَ أَخِي وَ وَصِيٌّ وَ وَزِيرِي وَ وَارِثِي وَ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي...^۲

پس تو(ای علی) برادر، وصی، وزیر و جانشینم بعد از من می باشی.

در جنگ تبوک، آن هنگام که پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عازم جنگ با رومیان بودند، حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین خود در مدینه گمارد و خود با لشکری به سوی رومیان رهسپار گردید.

آن هنگام که پیامبر عازم جنگ شدند چند نفر از منافقان حضرت علی علیه السلام را آزرده و به او کنایه زدند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تو را همراه خود نبرده است. رسول خدا نیز وقتی امیر المومنین علیه السلام را غمگین دید فرمود : أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي...^۳

۱. شعراء، ۲۱۴

۲. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص: ۵۰

هر کس من صاحب اختیار
او هستم ، این علی صاحب
اختیار اوست .

فرازی از خطابه‌ی غدیر



خداوند علی علیه السلام
را به عنوان امام شما منصوب
نموده است.

فرازی از خطابه ی غدیر

(یا علی نسبت تو به من، هم چون نسبت هارون به موسی است مگر آنکه بعد از من پیامبری نیست.)
و می دانیم که بنا به قول قرآن روشن ترین و بارزترین مقام هارون نسبت به موسی مقام خلافت و وزارت و
جانشینی او بوده است.

دیگر بار، آن هنگام بود که پیامبر حدیث ثقلین را بیان فرمود .

هم چنین وقتی آیه اطاعت نازل گشت ایشان جانشینی علی علیه السلام و فرزندانش را برای مردم
بازگو کرد.

و یا در جایی دیگر ، هنگامی که حدیث سفینه را برای مردم بیان می نمود از علی علیه السلام به عنوان
کشتی نجات نام برد.

ماجرای دیگر ، داستان مباحله بود که در آن ، پیامبر ، علی علیه السلام را هم چون جان خویش خواند
و او را بر همه مردم برتری داد .

و بار دیگر ...

و بارهای دیگر ...

دوست عزیزم !

گمان می کنم ، تک تک ماجراهایی که تا به این جا فقط خلاصه اش را بازگو کردم؛ برای اثبات امامت
و ولایت امیرالمومنین علیه السلام، کافی باشد.

اما ماجرابی که الان برایت تعریف می کنم، حادثه مهمی بوده که به تنهایی تمام حقیقت را روشن می
کند و جای هیچ شبهه ای باقی نمی گذارد.

حادثه ای که بعدها با کینه توزی های عده ای فراموش شد و از یادها رفت.

حکایتی که فراموش شدنش بزرگترین ضربه را به اسلام زد.

حکایت غدیر ...

قصه ی غدیر و ...

قصه ی غصه ی غدیر !



خداوند دین شما را با
امامت او کامل نموده است.

فرازی از خطابه ی غدیر

۴

تاریخ

قسمت دوم : غدیر

۱۵ ذی القعدة سال ۱۰ هجری قمری

امروز بعد از ظهر وقتی خسته از سرکار، به سوی مدینه باز می‌گشتم، هیاهویی در شهر برپا بود. باید اتفاق مهمی افتاده باشد. کمی آن طرف‌تر یکی از دوستانم را دیدم؛ پرسیدم چه خبر شده؟ چرا شهر این قدر شلوغ است؟

گفت: مگر خبر نداری؟ پیامبر خدا اعلام کرده، امسال برای انجام مراسم حج به مکه می‌رود و به مردم هم دستور داده، هر کس می‌تواند او را همراهی کند ...

هیجان زده شده بودم. آخر پیامبر تا به حال به حج نرفته‌اند. من هم دوست دارم همراه ایشان باشم و ببینم در دین اسلام حج چگونه است؟

... در همین فکر بودم که دوباره صدای دوستم بلند شد: آهای! کجایی؟ تازه فکر می‌کنم این اولین و آخرین حج پیامبر باشد، چون شنیده‌ام پیامبر فرموده: امسال سال آخر عمر اوست ...
سر جایم میخ‌کوب شدم. اصلاً نمی‌توانستم مدینه‌ی بدون پیامبر را تصور کنم. تازه تکلیف ما، در نبودن او ...؟

بعد از پیامبر چه کسی در جایگاه او قرار خواهد گرفت و سرپرست مسلمانان خواهد شد؟
آه؛ من چرا فراموش کردم؟ پیامبر بارها علی ابن ابی طالب علیه السلام را به عنوان جانشین بعد از خود معرفی کرده است.

بعد از من علی ابن ابی طالب علیه السلام برادر و ...

۲۰ ذی القعدة - سال ۱۰ هجری قمری

بالاخره تصمیم خودم را گرفتم. من نیز همراه پیامبر خدا به حج خواهم رفت. تقریباً تمام اهل مدینه خود را آماده می‌کنند تا با پیامبر همراه شوند. جالب است که تا الان حدود هفتاد هزار نفر از مدینه و اطراف آن آمادگی خود را برای همراهی پیامبر مهربان اسلام اعلام کرده‌اند.



کسانی که در بیعت با علی
علیه السلام سبقت بگیرند،
رستگارند.

فرازی از خطابه ی غدیر

شنبه - ۲۵ ذی القعدة - سال ۱۰ هجری قمری
امروز از مدینه به سمت مکه خارج شدیم. بعضی ها پیاده آمدند و برخی سواره. پیامبر نیز به همراه
اهل بیت خود، حضرت فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام و بقیه ی فرزندان، در کاروان حضور دارند .

سه شنبه - ۵ ذی الحجه - سال ۱۰ هجری قمری
در نزدیکی های مکه، علی ابن ابی طالب علیه السلام که به دستور پیامبر با لشکری به یمن رفته بود،
به همراه حدود دوازده هزار نفر از مردم یمن به ما ملحق شدند. امروز بالاخره بعد از ده روز که در راه بودیم
به مکه رسیدیم .

یک شنبه - ۱۰ ذی الحجه - سال ۱۰ هجری قمری
بعد از چهار روز اقامت در مکه ، دپروز مراسم حج شروع شد و ما همراه پیامبر به عرفات و سپس به
مشعر رفتیم .
امروز هم در منا قربانی کردیم و بقیه ی اعمال را انجام دادیم و طواف و سعی و ... بالاخره پیامبر تمام
احکام و مسائل حج را به ما آموختند.

هم چنین امروز دستوری توسط جبرئیل بر پیامبر نازل شد. خداوند دستور داده تا پیامبر، اسم اعظم
و آثار علم و میراث انبیا را به حضرت علی علیه السلام بسپارد ، چون او اولین کسی است که ایمان آورده
و خدا هیچ گاه زمین را خالی از حجت خود نمی گذارد . پیامبر نیز مجلسی خصوصی با حضرت علی علیه
السلام تشکیل داده و ودایع امامت را که میراث چندین هزار ساله ی انبیا است ، به او تحویل می دهند .

چهارشنبه - ۱۳ ذی الحجه - سال ۱۰ هجری قمری
امروز منادی پیامبر اعلام کرد، همه باید تا فردا آماده شوند و خود را همراه پیامبر به وادی جحفه
برسانند. جحفه یک بیابان بزرگ بین راه مکه و مدینه است و کمی قبل از نقطه ی جدایی مسیر شهرهای
مختلف است. همه از فرمان پیامبر تعجب می کنیم؛ آخر هنوز مدتی از اقامت در مکه نگذشته و ما انتظار
داشتیم پیامبر، در آخرین حج خود، چند روزی دیگر در مکه بماند.

به علی علیه السلام
به عنوان امیرالمومنین سلام
کنید .

فرازی از خطابه ی غدیر

به هر حال ، ما هم فردا با کاروان حرکت خواهیم کرد .
امروز یک اتفاق مهم دیگر هم افتاد . جبرئیل دوباره بر پیامبر نازل شده و از طرف خدا دستور آورد که
همه ی اصحاب باید به حضرت علی علیه السلام به عنوان "امیرالمومنین" بر علی ابن ابی طالب سلام کنند.
البته عده‌ای نیز اعتراض می کنند که آیا این سخن از طرف پیامبر است یا از طرف خدا ؟
و پیامبر می فرماید : از جانب خداست.

دوشنبه - ۱۸ ذی الحجه - سال ۱۰ هجری قمری
نزدیکی های ظهر بود که به غدیر خم رسیدیم. پیامبر اکرم مسیر خود را به سمت راست جاده تغییر
دادند و مردم را آگاه کردند که قرار است پیام مهمی را برای آن ها بیان نمایند. فردی مأمور شد کسانی را
که جلو رفته اند به سوی برکه‌ی خم بازگرداند و فرد دیگری مأمور شد تا کسانی که عقب مانده اند را به
محل اجتماع راهنمایی کند. کم کم همه جمع شدند. ترکیبی از اقوام و قبایل شهر های مختلف. مردان و
زنان، با درجات مختلف ایمان!

هوا به قدری گرم است که هر کدام در زیر سایه‌ی شتری پناه گرفته است.
پیامبر خدا، مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را مأمور کرد، تا محلی را که در آن چند درخت کهن سال
قرار داشت، آماده کنند. آن ها خارهای زیر درختان را بریده و بعد از تمیز کردن محل، با استفاده از سنگ
های بزرگ و روانداز شتران منبری به بلندی قد یک انسان درست کردند تا همه‌ی جمعیت ، پیامبر را
ببینند.

هنگام ظهر، منادی رسول خدا، ندای نماز جماعت بلند کرد. همه از خیمه ها بیرون آمده و پشت سر
پیامبر نماز خواندند. بعد از نماز ، پیامبر از منبر بالا رفتند و امیرالمومنین علیه السلام را به نزد خود
خواندند. حضرت علی علیه السلام یک پله پایین تر در سمت راست پیامبر قرار گرفتند و نبی اکرم سخنرانی
تاریخی خود را آغاز نمودند. در ابتدا به حمد و ثنای الهی پرداختند و فرمودند: خداوند به من امر فرموده،



آخرین امامان، مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه از ماست .

فرازی از خطابه ی غدیر

پیام مهمی را در مورد ولایت و جانشینی علی ابن ابی طالب علیه السلام بعد از خودم، به شما برسانم و سپس در بخش دیگری از سخنانشان امامت دوازده امام پس از خویش تا روز قیامت را برای مردم توضیح دادند.

پیامبر دست علی علیه السلام را در دست گرفتند و تا آنجا که می توانستند دست امیرالمومنین را بالا بردند و با صدای بلند فرمود: "مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ" هر کس من مولای او هستم این علی، مولای اوست.

سپس پیامبر این گونه دعا نمودند: خدایا هر کس علی را دوست بدارد تو او را دوست بدار و یاری کن و هر کس با علی دشمنی کند با او دشمن باش.

قسمتی دیگر از سخنان پیامبر به عده ای از اصحاب ایشان و منافقین اختصاص داشت. آن حضرت فرمودند: این ها بعد از من کارشکنی می کنند و امر امامت امیرالمومنین علیه السلام را قبول نخواهند کرد. پیامبر شدیداً از این کار نهی شان کرده و فرمودند: هر کدام از شما در خود نگاه کند، که از آن ها نباشد. در ادامه، به آخرین امامان از نسل حضرت علی علیه السلام اشاره کرده و فرمودند: او "مهدی" است و در صفات و کمالات آن حضرت مطالبی بیان کردند که آرزو می کنم کاش من هم می توانستم زمان او را درک نمایم ...

در آخر نیز پیامبر خدا بحث بیعت با خود و ائمه ی پس از خویش را مطرح کردند و پس از اتمام حجت بر مردم، از آن ها خواستند با دست و زبان خود اقرار کنند که "ما شنیدیم و راضی هستیم به آن چه می گویی و امر تو را اطاعت می کنیم ..."

ما نیز این جملات را تکرار کردیم . بعد از اتمام خطبه ی یک ساعته ی پیامبر همه به سمت ایشان و امیرالمومنین رفته تا با دستهایمان نیز با ایشان بیعت کنیم. برق شادی و شعف در چشمان پیامبر اکرم می درخشید و می فرمود: "به من تبریک بگویید ..."



مورد لعنت است کسی که
با علی علیه السلام مخالفت
نماید .

فرازی از خطابه ی غدیر

پنجشنبه - ۲۱ ذی الحجه - سال ۱۰ هجری قمری

بالاخره پس از سه روز مراسم با شکوه و پر شور ، غدیر به پایان رسید. در این سه روز اتفاقات زیادی افتاد.

پیامبر طبق رسم بزرگان عرب عمامه ی خود به نام "سحاب" را به عنوان تاج افتخار به امیرالمومنین علیه السلام بخشیده و ایشان را امیر عرب اعلام کردند .

هم چنین دیروز فردی نزد پیامبر آمد و با بی ادبی گفت : "ای محمد ، آیا امامت و ولایت علی ابن ابی طالب را از جانب خود اعلام کردی یا از جانب خدا ؟"

پیامبر فرمودند : از جانب خدا و توسط جبرئیل .
او گفت : خدایا ! اگر محمد راست می گوید که این امر از جانب توست ، سنگی از آسمان بر من فرود آور یا عذابی دردناک بفرست.
همین که سخنش تمام شد ، همه ی ما دیدیم که سنگی از آسمان بر سرش آمد و او را تلف کرد.

این مهمترین داستان تاریخ بود.



مهدی عجل الله تعالی
فرجه الشریف هر حقى که بر
ماست ، خواهد گرفت .

فرازی از خطابه ی غدیر

Then the present shall convey the absent and
the fathers shall convey the children till
the judgment day .

زبان انگلیسی :

ترجمه ی فارسی:

ترجمه ی عربی:

توضیح مفهوم جمله :

أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَيْمَةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ

عربی :

ترجمه ی فارسی:

توضیح مفهوم جمله و ذکر چند نمونه :

زبان



هیچ آیه‌ای درباره‌ی رضای
خداوند نازل نشده مگر در
مورد علی علیه السلام.

فرازی از خطابه‌ی غدیر

۱۰

قرآن

با نگاهی به اطراف خود، وسایلی را می‌بینیم که هر یک دارای خاصیت و کارایی مخصوصی می‌باشند. اما نحوه‌ی استفاده از این وسایل چگونه است؟

هر سازنده‌ای، نسبت به اهمیت وسیله‌ای که ساخته است برای کاربر آن وسیله، کتاب راهنمایی تهیه می‌کند تا کاربر با استفاده از آن بتواند با نحوه‌ی استفاده‌ی آن آشنا شود. اما چون تمام جزئیات مربوط به یک وسیله را نمی‌توان در کتاب راهنما آورد، لذا سازنده نمایندگانی را که در مورد آن وسیله اطلاعات کامل و کافی دارند را مأمور می‌کند تا استفاده‌کنندگان از وسیله را راهنمایی کنند.

حال آیا ممکن است در حالی که انسان برای یک وسیله‌ی ساخته‌ی خود این همه برنامه‌ی منظم مد نظر قرار می‌دهد، خدای متعال که انسان را آفریده، برنامه‌ای برای زندگی او تدوین نکرده باشد؟ پروردگار جهانیان برای پیچیده‌ترین موجود عالم یعنی انسان، در هر دوره‌ای کتاب راهنما و هم چنین فرد متخصصی برای راهنمایی او فرستاده که در زمان آغاز اسلام این کتاب قرآن و فرد متخصص پیامبر بوده‌اند.

در زمان حیات پیامبر، ایشان راهنمای بشریت بوده‌اند، اما پس از ایشان چه کسی باید این مسئولیت را بر عهده داشته باشد؟

عقل سلیم حکم می‌کند که سازنده خود، فرد مورد اطمینانش را برای راهنمایی انتخاب کند و لذا است که خداوند به پیامبر دستور داد:

"ای پیامبر، آن چه را که از جانب خداوند بر تو نازل شده (در مورد حضرت علی علیه السلام) برسان که اگر این کار را انجام ندهی رسالت را به انجام نرسانده‌ای ..."^۱

۱. مائده ۶۷



خداوند فضائل علی علیه السلام را در قرآن نازل نموده است .

فرازی از خطابه ی غدیر

و به همین جهت بود که پیامبر در خطابه ی غدیر فرمودند : جبرئیل سه بار بر من نازل شده و از طرف خداوند مرا مأمور کرد که در این مکان به گوش همگان برسانم که علی ابن ابی طالب علیه السلام جانشین من و امام شما بعد از من است و بعد از او یازده تن دیگر که همگی آن ها از نسل او می باشند .

پس آنان که در غدیر بودند ، فهمیدند که چه کسانی مورد تأیید خداوند هستند و باید پس از پیامبر در کنار کتاب هدایت (قرآن) قرار بگیرند .

و شنیدند که فرمود : این دو ، تا روز قیامت از یکدیگر جدا نمی شوند و هر کس به هر دوی این ها متوسل شود ، نجات می یابد و به مقصودش می رسد .

و شاهدان شنیدند گفتار پیامبر را که خدا در کتابش می فرماید : کسانی که نسبت به حضرت علی علیه السلام کوتاهی کنند در روز قیامت حسرت می خورند ، از کوتاهی هایشان نسبت به او .
و فهمیدند که جبرئیل در آخر ، این آیه را از سوی خدا نازل کرد : " امروز (غدیر) دین شما را برایتان کامل نمودم و نعمتم را برایتان تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد " ^۱

آری ، خداوند به اسلامی راضی گشت که با ولایت حضرت علی علیه السلام و فرزنداناش همراه باشد و به قرآنی رضایت داد که تفسیر و باطنش را ائمه علیهم السلام بگویند . و هر کس غیر از اسلام دینی دیگر انتخاب کند ، از او قبول نمی شود و در آخرت از زیان کاران خواهد بود .



جز شخص با تقوا علی
علیه السلام را دوست
نمی دارد .

فرازی از خطابه ی غدیر

۱۲

ادبیات

آیا می دانید اولین شاعر غدیر چه کسی می باشد ؟

اولین شاعر غدیر حسان بن ثابت بوده که در مورد امیرالمومنین علیه السلام شعری سرود و با اجازه ی پیامبر در غدیر خم قرائت کرد .

حسان بر جای بلندی قرار گرفت و مردم برای شنیدن سخنانش ازدحام کردند . او گفت : ای بزرگان قریش سخنان مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید .

سپس اشعارش را خواند :

لَدَى دَوْحِ خُمٍ حِينَ قَامَ مَنَادِيًا أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ النَّبِيَّ مُحَمَّدًا
بِأَنَّكَ مَعْصُومٌ فَلَا تَكُ وَ انِيَا ... وَ قَدْ جَاءَ جِبْرِيلُ مِنْ عِنْدِ رَبِّهِ

آیا نمی دانید که محمد صلی الله علیه و آله کنار درختان غدیر خم به حالت ندا ایستاده ، و این در حالی بود که جبرئیل از جانب خدا پیام آورده بود که در این امر سستی مکن که تو محفوظ خواهی بود ... بعد از تمام شدن شعر ده بیتی حسان ، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند : ای حسان ، مادامی که با زبانت از ما دفاع می کنی ، از سوی روح القدس موید خواهی بود .

مرحوم شهریار از شاعران بزرگ معاصر است که علاقه ی زیادی هم به امیرالمومنین علیه السلام داشته . به همین جهت اشعار زیادی نیز در وصف آن حضرت سروده که معروف ترین آن ها که شاید زیباترین هم باشد ، شعر مناجات (علی ای همای رحمت) است .

نکته ی جالب در مورد این شعر تأیید و تشویقی است که خود امیرالمومنین علیه السلام بر این شعر داشته اند : داستان از این قرار است که آیه الله مرعشی نجفی ، شبی در خواب مجلسی را می بیند که امیرالمومنین علیه السلام در آن حضور دارند . حضرت دستور می دهند ، شعرای عرب زبان و فارسی زبان و سپس شاعری به نام شهریار را به محضرشان بیاورند و سپس به شهریار دستور می دهند ، شعرش را بخواند و او شعر ، همای رحمت ، را قرائت می کند . روز بعد ، آیه الله مرعشی از جا و مکان شاعری به نام شهریار می پرسد . می گویند ، در تبریز شاعری هست به این نام . او را به قم دعوت کرده و پس از دیدارش با آیه الله مرعشی ، معلوم می شود ، در همان شبی که این شعر را سروده ، آن عالم بزرگوار نیز حضرت علی علیه السلام را در خواب دیده است .



خداوندا، دوست بدار
هرکس علی علیه السلام را
دوست بدارد.

فرازی از خطابه ی غدیر

که به ما سوا فکندی همه سایه ی هما را
به علی شناختم من به خدا قسم خدا را
چو علی گرفته باشد سر چشمه بقا را
به شرار قهر سوزد همه جان ماسوا را

قسمتی از شعر شهریار چنین است :
علی ای همای رحمت تو چه آیتی خدا را
دل اگر خدا شناسی همه در رخ علی بین
به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
مگر ای سحاب رحمت تو بباری ار نه دوزخ

طلبه ای در نجف ، حضرت علی علیه السلام را در خواب دید ، به آن بزرگوار از فقر خود شکایت کرد .
حضرت فرمودند: اگر دنیا می‌خواهی برو حیدرآباد هندوستان نزد فلان شخص در فلان محله و به او بگو :
(به آسمان رود و کار آفتاب کند.)

طلبه که حکمت فرمایش امیرالمومنین را نمی‌دانست راهی هندوستان شد و به آدرسی که داشت
مراجعه و آن مصراع را برای او قرائت کرد .

آن شخص پذیرایی گرمی از او نمود و مجلس عقدی ترتیب داد و دختر خود را به آن طلبه تزویج نمود
و نیمی از کل دارایی خود را به او بخشید .

وقتی علت این همه لطف را جویا شد گفت یک مصراع شعر درباره ی حضرت علی علیه السلام گفتم
و آن این است : « به ذره گر نظر لطف بوتراپ کند »

هر چه فکر کردم نتوانستم مصراع دیگر را بگویم . به دیگر شعرا مراجعه نمودم آن ها هم نتوانستند
مصراع مناسبی بگویند . شرعاً نذر کردم هر کس مصراع دیگر را آن طور که باید بگوید نصف ثروتم را به او
ببخشم و دخترم را نیز به عقد او درآورم .

فرد طلبه هم اصل ماجرا و خواب خود را نقل کرد و آن شخص سجده ی شکر به جای آورد از این که
شعرش مورد قبول امیرالمومنین علیه السلام واقع شده است :

به ذره گر نظر لطف بوتراپ کند
به آسمان رود و کار آفتاب کند



خداوند دین شما را با امامت او کامل کرد .

فرازی از خطابه ی غدیر

مربع جادویی :

شما می توانید در تاریخی که «مدرسه ی غدیر» به دست شما می رسد با انجام مراحل الف تا ی ، یک مربع جادویی درست کنید ؛ به طوری که حاصل جمع خانه های افقی ، عمودی و ضربدری آن برابر با عددی ثابت شود . برای مثال فرض کنید که «مدرسه ی غدیر» در تاریخ ۸۹/۹/۵ به دست شما رسیده است.

الف . در خانه ی **B** سال ۸۹ را قرار دهید .

ب . روز ۵ را با عدد ۸۹ جمع کنید و در خانه ی **G** قرار دهید .

ج . حاصل جمع ب را با روز ۵ جمع کنید و در خانه ی **F** قرار دهید .

د . سال ۸۹ را با ماه ۹ جمع کنید و در خانه ی **I** قرار دهید .

ه . حاصل جمع د را با ماه ۹ جمع کنید و در خانه ی **D** قرار دهید .

و . ماه ۹ را با خانه ی **G** جمع کنید و در خانه ی **E** قرار دهید .

ز . حاصل جمع قسمت (و) را با ماه ۹ جمع کنید و در خانه ی **C** قرار دهید .

ل . ماه ۹ را با عدد خانه ی **F** جمع کنید و در خانه ی **A** قرار دهید .

ی . حاصل جمع خانه ی **A** را با ماه ۹ جمع کنید و در خانه ی **H** قرار دهید .

A	B	C
D	E	F
G	H	I

با انجام مراحل (الف) تا (ی) ، یک مربع جادویی ۳*۳ به صورت زیر حاصل می شود . با بررسی این

مربع جادویی به آسانی دیده می شود که حاصل جمع خانه های افقی ، عمودی و ضربدری ۳۰۹ است.

۱۰۸	۸۹	۱۱۳
۱۰۷	۱۰۳	۹۹
۹۴	۱۱۶	۹۸



حضرت مهدی علیه السلام
حجت باقی خداوند و ولی او
در زمین است.

فرازی از خطابه ی غدیر

معما :

-عربی وصیت کرده بود که پس از مرگش ۱۷ شتر او را میان سه پسرش طوری تقسیم کنند که به اولی نصف ، به دومی یک سوم و به سومی یک نهم شترها برسد ، در حالی که هیچ شتری کشته نشود ولی ظاهراً امکان پذیر نبود . پس وارثان او خدمت امیرالمومنین علیه السلام رسیدند و حضرت به ایشان پاسخ دادند . شما فکر می کنید جواب حضرت چه بود ؟

له ن ا ه ه س ح ی ن ع . م ش پ ت ش ۸۱ ، م ن ن ح م ف ل ن ا له ن ا ه پ ت ش ح ی ت ی خ ه : ب ا ه چ
له پ ت ش ن ا ه و ن س ح ی م ن ن ک ر ع ه ه ه ا ا (ک ۹) له ن ا ه م س ح ی ن ع م ن ن ک ر ع ا ه ا ا (م ۶) ا
ه ه ت ی خ ه ر ا له م ن ا م ف ل ن ا پ ت ش ح ی . م ن ن ک ر ع ه ه ه ف ا ه ا ا (۷ ل)

-مردی نزد عتیقه فروشی رفت تا چند سکه پول به او بفروشد . او ادعا کرد که سکه ها متعلق به سال ۵۰۰ قبل از میلاد است و روی هر یک از سکه ها نیز سال (۵۰۰ ق.م) نقش بسته بود ... اما عتیقه فروش بلافاصله پلیس صدا کرد و به جرم کلاهبرداری او را دستگیر کردند . دلیل عتیقه فروش چه بوده است ؟

خ ی ل ن ا ی ن ه چ ر ج ل ق ت م ت ه ه م ش ر ش ق ه ه ر ع ۰۰۵ له م س ر ع ه ا ح : ب ا ه چ
ر ش ق ه م س ر ع ه ه ا ا ن ا ت م ت ش ا م ن ی خ ت س ا ه ه ر ا ل م س ع ا ل ه م ک ل ی ه ن ل م ن ا ر س ح
م ن ن .

-آیا می توانید تخم مرغی را با پوست روی سر باریک آن نگه دارید ؟ یعنی آن را طوری از سر باریک روی میز یا جای صاف بگذارید که راست بایستد ؟

ر ع ه ح ی ن ا ل م س ن ا س ی س . م ی ن ی ه ه ا ا ن ا م ن ن ش ی خ ی ه ه خ ت ه م ن ی ا ن ه ه : ب ا ه چ
م ی ل ن ن ی ن ی ه ن

تفریح



آیا می دانید که روز غدیر
مصادف است با روز قبولی
توبه حضرت آدم؟!

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر ، به امر خدا و ولایت و امامت حضرت علی علیه السلام و یازده فرزند معصومان را به گوش مردم رساندند و فرمودند که حاضران این پیام را به غایبان برسانند . این امر آن قدر اهمیت داشته است که ایشان یکصد و بیست هزار نفر جمعیت را سه روز در بیابان جحفه متوقف کردند .

سؤال اینجاست،

چرا پیامبر گرامی اسلام سال ها قبل از تولد حضرت مهدی علیه السلام به ویژگی های اساسی حکومت آن حضرت اشاره کرده اند ؟

مسئلاً جز برای بیان نیاز به ولی در هر زمان و آمادگی مردم برای دوران سخت غیبت ، چیزی نبوده است . مهم ترین هدف پیامبر از آن همه توضیح پیرامون امام زمان علیه السلام تأکید بر وظیفه ی پذیرش ولایت حضرت ، حتی در دوران غیبت و اتمام حجت در مورد این موضوع بوده است .

باید بدانیم ولایت در تمامی دوران ها امری مهم و الهی می باشد که :

(۱) شرط ایمان و بندگی است .

(۲) پایه ی اصلی دین و تنها راه نجات بشریت است .

(۳) برترین نعمت خداوند بر بندگان و راه تقرب به پروردگار جهانیان است .

لذا وظیفه ی ماست که این ولایت را پذیرفته ، به دیگران متذکر شده و به یاری یگانه حجت زمان خویش بشتابیم .

دوست عزیز !

- برداشت خود و خلاصه ی مطالب فوق را در یک برگه بنویسید .

- دو وظیفه از وظایف مهم در دوران غیبت رانوشته و به اختصار توضیح دهید .

به زودی خلافت را به
عنوان پادشاهی غصب
می کنند ، خداوند غاصبین را
لعنت کند .

فرازی از خطابه ی غدیر



فراثر از تاریخ / دکتر حسین ضرابی
معرفی امیرالمومنین(علیه السلام) به عنوان خلیفه و جانشین
بلافاصل رسول خدا (درود خدا بر او و خاندانش باد) در غدیر نکته
جدیدی نبود بلکه بارها در هر مکان و یا زمانی که پیامبر عزیز
فرستی می یافتند حضرت علی علیه السلام را به عنوان جانشین
خود معرفی می نمودند.....
و این کتاب قصد آن دارد تا قسمتی از این معرفی ها را نشان
دهد....



گزارش لحظه به لحظه از واقعه ی غدیر / محمد باقر انصاری
در این کتاب گزارش کاملی از سفر تاریخی حجه الوداع و
گردهمایی پرشکوه غدیر مطرح شده است . گزارش لحظه به
لحظه از واقعه ی غدیر شامل داستان غدیر ، عظمت غدیر ، از
مدینه تا غدیر و سخنرانی پیامبر در روز غدیر می باشد .
پیام نویسنده : به امید روزی که در کنار صاحب غدیر ،
حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداه به جشنی دیگر بنشینیم
و داستان آن روزهای شیرین را از دو لب مبارک آن حضرت
بشنویم .

ولایت علی علیه السلام از
طرف خداوند است .

فرازی از خطابه ی غدیر



بلند ترین داستان غدیر / محمد باقر انصاری
بلند ترین داستان غدیر ، روایتی است از حذیفه ی یمانی
برای یک جوان ایرانی در شهر مدائن ، که در برابر منبر حذیفه با
شنیدن کلمه ی امیرالمومنین حقیقی به پاخاست و از انتهای
جمعیت با صدای بلند ، اولین ضربه را بر اذهان به خواب رفته ی
مردم وارد کرد ...

پیام نویسنده : (این کتاب) اهداء
به آن جوان ایرانی ؛
که با کنجکاوی خود ؛
این میراث عظیم را ؛
از حذیفه ی یمانی تحویل گرفت ؛
و برای ما به یادگار گذاشت .
و به جوانان ایران ؛
که در تاریخ اعتقادی خود ؛
ژرف می نگرند و کنجکاوند .



آیا می دانید که روز غدیر
مصادف است با روز کشته
شدن خلیفه ی سوم و رجوع
دوباره ی مردم به حضرت
علی علیه السلام جهت قبول
خلافت ، بعد از ۲۳ سال !؟

پیامبر از مدینه به قصد برگزاری آخرین حج خود ، به سمت مکه به راه افتاد و عده ی زیادی را با خود همراه کرد .

و حال مراسم حج به پایان رسیده و تمامی حجاج که تعدادشان بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ نفر است ، امر شده اند بدون اتلاف وقت به سمت غدیر خم حرکت کنند . حتی اهالی یمن که می بایست به جهت عکس به سرزمین خود می رفتند .

از کسی می پرسم غدیر کجاست ؟ ...

و حال هزار و چهارصد و بیست سال از آن واقعه ی پر شکوه می گذرد .

کسی از من می پرسد غدیر کجاست ؟ ... چرا غدیر خم ؟ ... چه شد غدیر ؟ ...

موقعیت عمومی غدیر :

منطقه ی غدیر خم در مسیر سیلاب هایی می باشد که پس از جحفه به دریای سرخ می ریزند و سیل های سالیانه را به دریای سرخ هدایت می کنند . به این مسیل ها در زبان عربی وادی می گویند .

یکی از این وادی ها، وادی جحفه است که در آن آبگیرهای متعددی وجود دارد که پس از عبور سیل، آب های باقی مانده در آن جمع می شود . به چنین آبگیر ها و گودال های بزرگی به زبان عربی غدیر گویند که مهم ترین آن ها در وادی جحفه ، غدیر خم است . غدیر خم ، در راه مکه تا مدینه و در ۲۰۰ کیلومتری مکه و ۳۰۰ کیلومتری مدینه واقع شده است . غدیر خم تا شهر رابع ۲۶ کیلومتر و تا روستای جحفه که میقات حجاج است ۲۸ کیلومتر فاصله دارد و هم اکنون به نام غدیر شناخته می شود . مردم منطقه نیز به خوبی از محل دقیق و نام آن آگاهند و می دانند که شیعیان علی ابن ابی طالب علیه السلام هر از چند گاهی برای تجدید پیمان با صاحب غدیر به آن منطقه می آیند و پرس و جو می کنند .

آیا می دانید که روز غدیر
مصادف است با روز نصب
حضرت هارون به جانشینی
حضرت موسی؟!



هم چنین دو رشته کوه در شمال و جنوب این منطقه از طرف شرق به غرب کشیده شده و تا دریای سرخ امتداد یافته است و مسیر مسیل به صورت زمینی هموار درآمده است . در این مسیل درختان بیابانی سَمُر که به زبان فارسی کُنار گفته می شود به صورت متفرق به چشم می خورد و در یک سوی این زمین هموار ، برکه ی بزرگ غدیر خم قرار گرفته است . موقعیت خاص این غدیر بدان خاطر است که آبش در طول سال خشک نمی شود و سبب آن چشمه ای است که به غدیر می ریزد .

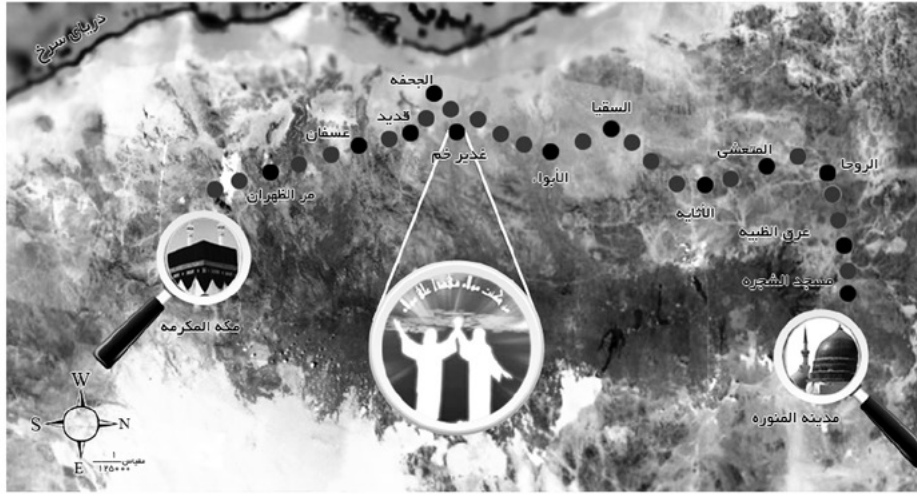
در حال حاضر راه رسیدن به غدیر خم از دو مسیر است :

الف) راه جحفه : این مسیر از تقاطع جحفه ، کنار فرودگاه رابع آغاز می شود و ۹ کیلومتر به سمت آسفالت تا اول روستای قدیمی جحفه طی می کند که در آن جا مسجد بزرگی به جای مسجد قدیمی حجاج ساخته شده است . سپس جاده از طرف شمال به وسط سنگ ها و ریگ هایی می رسد و تا قصر علیا که حد پایانی روستای میقات است به مسافت ۵ کیلومتر ادامه می یابد . از آن جا به سمت راست منحرف می شود و تا ۲ کیلومتر ، تپه هایی از سنگ و ریگ و بیابانی کوتاه است . اگر از بیابان به سمت جاده حرکت کنیم به وادی غدیر خم خواهیم رسید . غدیر خم از میقات جحفه در سمت طلوع آفتاب ، حدود ۲۸ کیلومتر فاصله دارد .

ب) راه رابع : راه دیگر غدیر از تقاطع جاده عمومی مکه با شهر رابع آغاز می شود . این راه نسبت به کسی که از مکه می آید ، در سمت راست جاده است و از کنار خانه های گلی و سیمانی اعراب ساکن منطقه عبور می کند . سپس از جاده ی قدیمی آسفالت به بالا می رود و به سمت چپ منحرف می شود و این همان جاده ی عمومی قدیم است که بقایای آن از پشت فرودگاه رابع آغاز می شود . بعد از ۲۰ کیلومتر در سمت راست ، جاده ی فرعی جدا می شود که به غدیر می رسد و فاصله ی غدیر خم از جنوب شرقی رابع حدود ۲۶ کیلومتر است .

حضرت مهدی علیه السلام
کمک کننده ی دین خداست .

فرازی از خطابه ی غدیر





خداوند توبه ی کسی که
ولایت علی علیه السلام را
انکار کند هرگز نمی پذیرد و
او را نمی آمرزد .

فرازی از خطابه ی غدیر

۲۳

سرمای هوا داره زیاد می شه ،
هنوز باد خودشو به در می کوبه ،
انگار می خواد کلاسو تسخیر کنه ،

می خواد سراسر وجودمو بگیره ،
دارم توانمو از دست می دم ،
پاهام سست شدن ...

پس اون گرمای غدیر کجاست !؟
مگه وارث غدیر کنارم نیست !؟
حضورشو حس می کنم ؛
اما...
بایستی حرکتی بکنم،

باید به سمتش برم ،
به سمت کسی که تنها راه نجاتمه ،
به سمت کسی که فراموش شده ،
باید ...

انگار داره صدایی میاد ،
کسی داره زمزمه می کنه ،
چه نوای دل نشینی :
وجودم پر میشه از گرمای محبتش ،
با تمام وجود فریاد می زنم :

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لِي لِقَاءَكَ الْفَرَجِ

خدایا تا کی !؟
تا کی در زندان غیبت !؟
تا کی دور از پدر !؟
تا کی ...

عندیر ساحل نجاتی است کہ کشتی رسالت انبیاء در آن آرام گرفت.

Qadir is the Redemption Coast Along Which the Vessel of Prophecy anchored.